

**سیاسی -** نظر: \*

سید محمد مهدی پیامبری:

**پشت پرده‌ی دادگاه نمایشی «ایران تریبونال» چیست؟**

چند است جریان نفاق با همکاری رسانه‌های معارض بار دیگر سوزهی تکراری اعدام‌های سال 67 را مطرح کرده و با تشکیل دادگاهی نمادین به‌دنبال اعمال فشار حقوق بشری بر نظام هستند. پایگاه «برهان» ضمن بررسی حقوقی این اعدام‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، بنسبت برده‌ی پروزه «ایران تریبونال» را بررسی کرد.



**گروه سیاسی برهان/ سید محمد مهدی پیامبری؛** بهانه‌ای که باعث شد این وحیره نوشته شود، سالگرد فتوایی است که امام خمینی در مورد زندانیان و دستگیرشدگان منافقین(سازمان مجاهدین خلق سابق) صادر کرد که به حق می‌توان نام آن را فتوای نجات‌بخش نامید. فتوایی که نتیجه‌ی آن درآمد چشم‌فتنه‌ای به نام سازمان مجاهدین خلق بود.

در اینجا به دنبال تحلیل سیاسی این جریان نیستیم بلکه فرض آن است که چند ماهی است بفایک این سازمان معلوم‌الحال از نمود شناخت افکار بین‌المللی از سابقه‌ی این فرقه، نهایت سوءاستفاده را کرده و در آخرین اقدام خود اقدام به برپایی دادگاهی به اصطلاح مردمی (= تئاتری سفارشی) با نام «ایران تریبونال» نموده‌اند تا در آن به خیال خام خود ایران را به خاطر اعدام‌های سال 67 محکوم به نسل‌کشی نمایند. اعدام‌های سال 67 از لحاظ حقوق داخلی و فقهی جای هیچ شبهه و سؤالی را باقی نگذاشته است ولیکن اثبات مشروعیت این اعدام‌ها از نگاه حقوق بین‌الملل محوری است که کمتر به آن پرداخته شده است. به همین علت به دنبال اثبات مشروعیت اعدام‌های سال 67 از دید حقوق بین‌الملل هستیم.

همچنین به بررسی جایگاه حقوقی - سیاسی دادگاه نمایشی ایران تریبونال که فرار است مرحله‌ی دوم آن آنان ماه سال جاری برگزار شود، بپردازیم. در همین زمینه باقی مانده‌ی منافقین و برخی کمونیست‌های چپ، ادعاهایی در مجامع غربی در زمینه‌ی اعدام‌های سال 67 مطرح کرده‌اند تا مشروع نبودن (به معنای قانونی نبودن) اعدام‌های سال 67 را اثبات نمایند که در ذیل به بررسی آن خواهیم پرداخت. اولین مورد شبهه، مشروع بودن یا نبودن برپایی دادگاه مجدد برای افرادی است که در زندان‌ها بوده‌اند و اینکه محاکمه مجدد افرادی که محکوم به زندان بوده‌اند و احیاناً در محاکمه‌ی دوم محکوم به اعدام شده‌اند، از لحاظ حقوقی مشروع است یا خیر؟

در پاسخ به این شبهه نکته‌ای که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت «انقلاب ماهیتی» است که با شروع سال 67 در ماهیت سازمان مجاهدین رخ داد. بدین معنا که در مدت 5 ماه از شروع سال 67، سازمان مجاهدین از یک سازمان «سیاسی-عقیدتی» با شاخه‌ی نظامی تبدیل به یک «ارتش» با ماهیت «نظامی» شد. 3 عملیات نظامی در 5 ماه، کشتن تعداد زیادی از نیروهای ارتشی، سپاهی و بسیجی در این عملیات‌ها و مجهر شدن و استفاده از ادوات نظامی سنگین مانند تانک و ... در این 5 ماه جزو علائم یک ارتش نظامی نیست.

مقدمه‌ی دوم، ارتباط افراد درون زندان‌ها با این سازمان و اطلاع این افراد از انقلاب ماهیتی است که در ماهیت این سازمان رخ داده است. چرا که اثبات این مقدمه نیز در حقوق بین‌الملل اهمیت فراوانی دارد. طبق فاعده‌ی کیفری بین‌المللی ( Enemy Character) در صورت اثبات ارتباط افراد درون زندان با ارتش نظامی در حال جنگ، همه‌ی احکامی که در مورد وضعیت جنگ وجود دارد در مورد این افراد نیز صادق است. مانند دفاع مشروع، اعدام بدون محاکمه یا اعدام با دادگاه نظامی (که آرای آن قطعی و غیرقابل تجدید نظر است، نیازی به تسخیر وکیل برای منعم ندارد) و ...

این فاعده چنین می‌گوید: «دشمن تنها به اتباع، افراد و نهادهای مشابهی که تحت حاکمیت دشمن هستند محدود نمی‌باشد، بلکه رگه‌های حیاتی دشمن، اتباع و کالاهای دولت‌های بی‌طرف یا خودی که در خدمت به دشمن عمل می‌کنند نیز دشمن محسوب می‌شوند. بنابراین منافقینی هم که در زندان‌ها به سر می‌برده‌اند همان ویژگی دشمن را در خود داشته‌اند. پس هیچ خدشه‌ای نمی‌توان به دادگاهی کردن مجدد این افراد داشت چرا که آنها با شروع سال 67 در قامت یک پگان از ارتش دشمن در زندان‌ها ظاهر شده‌اند.

**طبق فاعده‌ی کیفری بین‌المللی (Enemy Character) در صورت اثبات ارتباط افراد درون زندان با ارتش نظامی در حال جنگ، همه‌ی احکامی که در مورد وضعیت جنگ وجود دارد در مورد این افراد نیز صادق است. مانند دفاع مشروع، اعدام بدون محاکمه یا اعدام با دادگاه نظامی.**

از میان خاطرات بازماندگان منافقین، کندهای فراوانی وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی اطلاع و همراهی بنداری اعضای منافقین در زندان‌ها با ماهیت نظامی سازمان مجاهدین (منافقین) می‌باشد. این خاطرات نیز اثبات‌کننده‌ی ارتباط وثیقی افراد درون زندان با نظامیان و اطلاع زندانیان از این «انقلاب ماهیتی» دارد که این واقعیت جاری‌کننده‌ی همان فاعده‌ی (Enemy Character) در حقوق بین‌الملل می‌باشد.

در 31 تیر ماه سال 1367، «مسعود رجوی» تمامی نیروهای سازمان را در سالن اجتماعات اشرف جمع کرده و طی یک سخنرانی مسیوط آغاز «عملیات فروع جاویدان» و «فتح نهران» را اعلام کرده و می‌گوید: «در این عملیات نیروهای زیادی به ما کمک خواهند کرد، از طرفی درب زندان‌ها که باز شود آنها هم با ما هستند و با ما همراهی خواهند کرد. نیروهای زندان بالقوه با ما هستند.»

خام «شهادت آزاد» یکی از اعضای منافقین، ایام درون زندان را چنین روایت می‌کند: «... تقریباً دو ماه قبل از کشتار سال 1367 [...] شنیدیم که پسرها در بندهای دیگر خیلی فعال شده‌اند و حرکت‌های پررنگی دارند.[...]» [1] و یک در ادامه در بند 65 منظر خود را روشن‌تر توضیح می‌دهد: «بچه‌های مجاهدین در داخل زندان نیز یک‌باره موضع‌گیری خود را تغییر دادند. قبل از آن وقتی نظقی سیاسی مجاهدین را از آنان سؤال می‌کردند، می‌گفتند «منافی»! اما در آن زمان یک‌باره شروع کردند و گفتند «مجاهد!» به علاوه، اعضای مجاهدین شروع کردند به ورزش‌های ملیشایی خیلی سنگین و صدهای عجیبی در می‌آوردند که قبلاً در زندان معمول نبود. بعدها دانستیم که مجاهدین به آنها خیر داده بودند که حرکت‌هایی در راه است.»

اگر روایت رویدادهای آن ماه‌ها را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که برهم ردن نظم زندان‌ها در سال 1367 توسط برخی از زندانیان، به‌ویژه وابستگی به مجاهدین خلق، به دلیل این است که اعضای مجاهدین مستقر در عراق در 7 فروردین، عملیات موسوم به «آفتاب» و در 29 خرداد نیز عملیات موسوم به «چلچراغ» را انجام می‌دهند و مدعی هستند که در هر دوک این عملیات، نیروهای نظامی ایرانی شکست خورده‌اند و در نتیجه نیروهای ایران از روحیه‌ای ضعیف برخوردارند.

مقدمه‌ی سوم در اثبات مشروع بودن اعدام‌ها نقش هیئت‌های رسیدگی کننده (هیئت سه نفره‌ی منصوب از جانب امام) در کشف این رابطه است. وقایع دنبای کنونی نشان دهنده‌ی آن است که پدیده‌ای مانند سازمان مجاهدین و 15 هزار کشته‌ی آن که منافقین از ایران گرفته‌اند ( تا سال 67 ) در هر کشوری رخ داده بود به طور قطع مقام‌های آن کشور تمام افراد منصوب به آن سازمان را بدون محاکمه محکوم به اعدام می‌نمودند، ولیکن در ایران با تدبیر حضرت امام این کمیته‌ی سه نفره به وجود آمد تا از ارتباط افراد درون زندان با ارتش نظامی منافقین اطمینان حاصل شود که این ابتکار بسیار جای تحسین دارد.

نکته‌ی دیگر آنکه برخی از بفایک منافقین شبهه نموده‌اند که بسیاری از زندانیان از ماهیت این هیئت‌های سه نفره مطلع بوده‌اند و نمی‌دانستند که هدف هیئت رسیدگی کننده درخواست سؤال از ارتباط زندانی محاکمه‌شده با سازمان و بر سر موضوع بودن او چیست؟ ولیکن خاطرات فراوانی وجود دارد که افراد باقی مانده از منافقین مانند «مهدی اصلانی» و «ابرح مصدافی» در آن اعتراف کرده‌اند که بسیاری از افراد زندانی که بر موضع خود پافشاری می‌کردند از نتیجه‌ی موضع‌گیری به نفع سازمان مجاهدین (اعلام) اطلاع داشته‌اند ولیکن باز هم بر سر مواضع انقلابی!! خود پافشاری داشته‌اند. بنابراین، این شبهه نیز به استناد همین خاطرات بذیرفته نیست.

آخرین نکته در زمینه‌ی افراد اعدام شده در این سال، تعداد این افراد است که در مجموعه اقدام‌های عملیات روانی بفایک مجاهدین، تعداد آنها را از 2 هزار تا 5 هزار نفر اعلام کرده‌اند و بعضاً آنها را در مجموع به 30 هزار نفر نیز رسانده‌اند که این اختلاف آمار بدون بسیار مضحک است چرا که این تعداد زندانی در آن سال‌ها در عمل چندین برابر ظرفیت کل زندان‌های جمهوری اسلامی بوده است. بنابراین در تحلیلی کوتاه می‌توان گفت اعدام‌شدگان سال 67 نیز بهانه‌ای است حقوق بشری برای بفایک منافقین تا بتوانند حیره‌خواری خود را از کشورهای معاند ایران با اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ادامه دهند.

قسمت دوم این مقاله مرتبط است با دادگاهی نمایشی که به تازگی (خرداد 1391) در شهر لندن با عنوان ایران تریبونال برگزار شد که بنا به ادعای خود برای به چالش کشیدن ایران در زمینه‌ی حقوق بشر برگزار شده است. نمایشی که به حق می‌توان نام آن را دادگاهی سفارشی لقب داد.

«فرشید آریان» از عناصر سازمان منافقین درباره‌ی وظایف و عملکرد این دادگاه می‌گوید: «این دادگاه در واقع چند وظیفه دارد: اول گردآوری مستندات و شهادت‌نامه‌هایی است که ممکن است در آینده دسترسی به آنها ممکن نباشد. دوم، در سال‌های اخیر، جهان و به ویژه عرب در مواجهه با ایران بر روی مسئله‌ی برنامه‌ی اتمی جمهوری اسلامی متمرکز شده و بحث حقوق بشر یا به این دلیل و یا به خاطر روابط اقتصادی و منافع کشورهای غربی عملاً به حاشیه رانده شده است. این دادگاه می‌تواند کمک کند که موضوع حقوق بشر بار دیگر مورد توجه افکار عمومی در جهان و همچنین دولتمردان غربی قرار گیرد.»

«عماد» از دیگر مسئولان این دادگاه نیز می‌گوید: «هر چند این حکم در حال حاضر از ضمانت اجرایی برخوردار نیست، اما این قدرت را دارد که افکار عمومی را به فضاوت درباره‌ی این کشتارها فراخواند و اعدام‌های دهه‌ی 60 در جمهوری اسلامی را به شکلی مستند و حقوقی در تاریخ ثبت کند.» بنابراین مشاهده می‌شود که بر روی این دادگاه که مرحله‌ی دوم آن قرار است آبان ماه برگزار شود، برای فشار بر ایران حساب بسیار زیادی باز شده است.

**اگر این نمایش دادگاه است آیا طرف منعم نباید نماینده‌ای داشته باشد؟ آیا نمی‌شد خانواده‌ی یکی از 15 هزار قربانی ترو منافقین به عنوان تعدادی از کسانی که خواستار اعدام‌های سال 67 بوده‌اند حضور می‌داشتند؟ آیا اساساً دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اتهام‌های مطرح شده را ندارد، مشروعیت دارد؟ آیا دادگاهی که احکام آن ضمانت اجرایی ندارد، اصولاً دادگاه است؟**

**دادگاه مردمی!!**

در ارتباط با این نمایش سفارشی سؤال‌هایی چند وجود دارد که در اینجا برخی از آنها مطرح می‌شود:

اول آنکه اگر این نمایش دادگاه است آیا طرف منعم نباید نماینده‌ای داشته باشد؟ آیا نمی‌شد خانواده‌ی یکی از 15 هزار قربانی ترو منافقین به عنوان تعدادی از کسانی که خواستار اعدام‌های سال 67 بوده‌اند حضور می‌داشتند؟ آیا اساساً دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اتهام‌های مطرح شده را ندارد، مشروعیت دارد؟ آیا دادگاهی که احکام آن ضمانت اجرایی ندارد، اصولاً دادگاه است؟

در مورد مردمی بودن این دادگاه نیز سؤال‌هایی وجود دارد که حتی برخی اعضای منافقین نیز مندرک شده‌اند!:

**«وزیر فتوحی» در پاسخ به دعوت برای شرکت در این دادگاه، واسپه بودن دادگاه را چنین به چالش می‌کشد:**

**یک:** لازم بود و هست که دست‌اندرکاران این موضوع و با دست کم 5 تن از شخصیت‌ها و افراد شناخته شده و با قابل شناخت آن، معرفی می‌شوند. در جهان امروز مهم است که بدانیم ما چه کسانی و دور کدامین میز، گرد هم می‌آیم.

**دو:** دست کم تعدادی از شاهدان و شاکیان دیگری که قصد مشارکت در این «دادگاه» را اعلام کرده‌اند، معرفی شوند. هم‌رندیان و رفقای دیگر ما که در میانشان چهره‌هایی شاخص از مقاومت در زندان و بارمانده از قبل عام هم هستند، آیا دعوت شده‌اند؟ واگر بله؛ آیا این دعوت را بذیرفته‌اند؟

**سه:** منابع مالی و محل تهیه هزینه‌های رفت و برگشت و اسکان شاهدان و شاکیان و فضای و برگزار کنندگان این مراسم و میزان آن برای ما نامعلوم است و هنوز مشخص نیست.

**اما در مورد محتوای ارائه شده در این دادگاه باید گفت:**

**نخست:** چرا جز 6 نفر، نامی از این 80 شاهدی که در لندن برصد ایران شهادت داده‌اند، نیست؟ آیا منافقین در کشورهای غربی نیز امنیت ندارند که حرث انتشار اسامی شاهدین این دادگاه وجود نداشته؟

**دوم** آنکه، تناقضی و افتضاحات برخی خاطرات چاپ شده و برخی مستندات این دادگاه به حدی است که حتی صدای ایرج مصدافی که خود از جان بدر بردگان قتل عام سال ۱67 است نیز درآمده است.

وی در مطلبی انتقادی در 20 تیرماه 1391 ریان به نقد خاطرات مسعود نفره‌کار در 30 قسمت در سایت گویابور پرداخته و چنین شکوایه می‌کند:

«متأسفانه روایت صاحب منصب فضایی رژیم [منظور مسعود نفره‌کار] از جنایات دهه‌ی 60 و 70 که به شکل «داستان‌های هزار و یک شب» تا کنون در بیش از 30 برده انتشار یافته، یکی از بدترین انواع اشاعه‌ی دروغ در مورد تاریخ سرکوب و جنایت رژیم [امام] خمینی است که بایستی نقیض شده و در مورد آن به روشنگری پرداخت. به شما اطمینان می‌دهم ریان‌های مهملات و جعلیات کسانی مثل شاهد جنایت‌های حکومت اسلامی و ساده‌لوحی افرادی مثل بهرام مشیری و مسعود نفره‌کار در مقایسه با ریان‌های ناشی از منش و روش تخریب‌گرانه، مرعوب‌کننده، خود حق‌بندارانه و فرقه‌گرایه‌ی کسانی که خود را تجلی تاریخ مقاومت مردم ایران می‌پندارند، بسیار ناچیز خواهد بود، آنچه باید نقیض و نقد شود، چنین منش و روشنی است.»

این دعوای سگ و گربه به اینجا ختم نشده و مسعود نفره‌کار نیز در جواب ایرج مصدافی مقاله‌ای با عنوان «ایرج مصدافی و زورنالیسم ارباب و تخریب» را منتشر می‌کند که در آن از خجالت ایرج مصدافی در می‌آید:

ایرج مصدافی در آغاز نوشته با کتشول زورنالیسم ارباب و تخریب وارد معرکه‌ی بساط کرده‌اش می‌شود. کتشولی که شاه و شیخ و نبی و تائبی و مشیری و نفره کار و انباز و اخمی و سرمست اخلاقی کنده و مجاهدین و... در آن کتونه است تا مرادش بیرون کشد و ثابت کند همه‌ی روایت‌های شاهد جنایت‌های حکومت اسلامی - که سی و نه بخش آن تا ریتون در گویا منتشر شده است - دروغ و مهمل و جعل و مضحکه است و حکومت اسلامی نیز با اعزام این فرد دروغ‌پرداز و باری دادن بهرام مشیری و مسعود نفره‌کار باعث انحراف اذهان عمومی و خدشه‌دار شدن تاریخ مقاومت مردم ایران شده است! [2]

مطالب یاد شده به خوبی نشان می‌دهد که دعوای دروغ‌گویان و داستان‌بافان کشتار ۱67! چگونه به هم گره خورده‌اند و چگونه مهمل‌های بافته شده، وبال گردن آنها را گرفته است. (\*)

**پی‌نوشت‌ها:**

[1]. بند 63، شهادت وی در دادگاه - تئاتر! ایران تریبونال

[2]. مسعود نفره کار، 23 تیرماه 1391، خیرنامه‌ی گویا

\*سید محمد مهدی پیامبری؛ مسئول کمیته‌ی حقوق بشر مؤسسه‌ی راهبردی دیده‌بان/انراه/من/

**پیر بیننده ترین**

- سبک زندگی مدرن و افزایش آمار طلاق
- چرا اثرگذاری رسانه‌های ایرانی در جنگ نرم پایین است؟
- چرا اجرای بانکداری اسلامی طرفداری ندارد؟
- چرا بانک‌های ایرانی از الگوی آمریکایی-اروپایی تبعیت می‌کنند؟
- چرا حجم صادرات گاز ایران تا این حد پایین است؟
- توهین به مقدسات ادیان، جرم است؟
- نقش غیرمنعده‌ها در شکل‌دهی به «نظم نوین جهانی» چیست؟
- کدام پیشرفت به تحقق عدالت حقیقی منجر می‌شود؟

**ارسال نظر**

نام:

ایمیل:

نظر شما:

ارسال